

دوفصلنامه علمی ترویجی سلفی پژوهی، سال دوم ♦ شماره ۴ ♦ پاییز و زمستان ۱۳۹۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۵/۱۸ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۰/۰۸ ♦ صفحات: ۲۵-۴۴

تأثیر جهیمان العتیبی بر سلفی گری پس از خود

مرتضی آقامحمدی*

محمد مسجد جامعی**

چکیده

اشغال مسجدالحرام به دست جهیمان العتیبی و یارانش از نقاط عطف تاریخ سلفیت در دوران معاصر است. تحلیل‌های مختلفی درباره تأثیر قیام جهیمان و افکار او بر سلفیت موجود، در دهه‌های بعدی وجود دارد. این مقاله، پژوهشی توصیفی تحلیلی است، تا بر اساس منابع موجود ثابت کند که سلفیت امروز و به‌طور خاص القاعده، متأثر از قیام و افکار جهیمان است؛ سپس با توجه به اختلاف مأموریت و اهداف و عرصه فعالیت القاعده و سلفیت معاصر با حرکت جهیمان (که محدود به عربستان بود)، علت اثرگذاری این قیام بر دیگر جریان‌های سلفی و جهات این تأثیرگذاری مشخص شود و شخصیت‌های کلیدی در انتقال این میراث شناسایی گردند.

کلیدواژه‌ها: جهیمان العتیبی، اشغال مسجدالحرام، سلفیت، ابومحمد مقدسی، اسامه بن لادن.

* دکترای مطالعات اسلامی، استادیار جامعة المصطفی العالمیه، پژوهشگر موسسه مطالعات راهبردی اسلام معاصر (مرام)

mam50025@gmail.com

** استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

مقدمه

در سه‌شنبه، آغازین روز از محرم سال ۱۴۰۰ هجری، برابر با ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹ میلادی، عده‌ای مسلح که اعضای جماعت سلفی محتسبه بودند، به رهبری جهیمان العتیبی مسجدالحرام را اشغال کرده و در بین رکن و مقام با شخصی به نام محمد بن عبدالله القحطانی که او را «مهدی منتظر» معرفی کردند، بیعت نمودند. اشغال مسجدالحرام تا دو هفته به طول انجامید و در نهایت سعودی‌ها به کمک نیروهای خارجی و به‌ویژه فرانسوی‌ها، موفق به پاکسازی کامل مسجد شدند؛^۱ پس از دو هفته و با پرداخت خسارت‌های جانی، مالی و بدتر از همه آبرویی، غائله خاتمه یافت؛ اما نمی‌توان گفت که این پرونده به‌طور کامل بسته شد.

برخی معتقدند، جهیمان و حرکت او، اتفاقی استثنایی و آمیخته به اوهام بود که در زمان محدودی رخ داد و تاثیری بر جهان اسلام نداشت؛ در طرف مقابل، تحلیل‌گران دیگری بر این باورند که یاد جهیمان در ذهن‌ها زنده ماند و اندیشه‌های او، الهام‌بخش گروه‌های اسلامی آینده شد. بسیاری از کسانی که در مورد جهیمان و حرکت او تحقیق کرده‌اند بر این باورند که سلفیت دهه‌های بعد، تاثیر بسزایی از ایده‌ها و افکار جهیمان و جماعت او پذیرفته‌اند. کتاب ایام مع جهیمان نوشته "ناصر الحزیمی"^۲ و حصار مکه اثر "یاروسلاو تروفیموف"^۳ را می‌توان بهترین آثاری دانست که به بررسی مسأله اشغال حرم و قیام جهیمان پرداخته‌اند.^۴ این مقاله نیز با رویکردی توصیفی تحلیلی، و بر اساس منابع موجود، درصدد بررسی علل تاثیر قیام جهیمان بر آینده سلفیت است.

۱. آقامحمدی، مرتضی، شش گفتار در سلفیت معاصر، ص ۵۶.

۲. ناصر الحزیمی سال‌ها ملازم جهیمان بود تا اینکه چند ماه قبل از حادثه اشغال حرم از او فاصله گرفت. او با اتمام اشغال حرم زندانی و با عاملان اشغال مسجد هم‌بند شد و وقایع آن دو هفته را از زبان آنها شنید. کتاب "ایام مع جهیمان" را می‌توان برترین اثر در شناخت جهیمان و قیام او دانست.

۳. یاروسلاو تروفیموف با مطالعه داستان جهیمان مشتاق به تحقیقات بیشتر می‌شود. او تحقیقاتش را از پل باریل کماندوی فرانسوی که در عملیات آزادسازی شرکت داشت شروع کرد. برای کسب اطلاعات بیشتر به دب، انگلستان و دو بار به مصر و نیز، دو مرتبه به عربستان سفر می‌کند تا از شاهدان عینی و اسناد معتبر استفاده کند و پس از یک سال تحقیق و بررسی اقدام به نوشتن کتاب «The Siege of Mecca» نمود.

۴. مولف هر دو اثر را با حمایت پژوهشگاه حج و زیارت به فارسی ترجمه کرده که به زودی در انتشارات مشعر به چاپ خواهند رسید.

دیدگاه‌ها در تاثیر جهیمان بر سلفیت معاصر

قیام جهیمان همراه با اشغال مقدس‌ترین مسجد مسلمانان یعنی مسجدالحرام، و سپس جنگ و کشتارهای وحشتناک در آن، توجه همه جهان اسلام را به خود جلب کرد؛ پس از ختم غائله و گذر زمان ابعاد بیشتری درباره احساس و موضع مسلمانان نسبت به این قیام روشن شد. بر خلاف تبلیغات گسترده حکومت سعودی، جهیمان قهرمان جامعه سلفی و الگویی برای مجاهدان راه حق تلقی می‌شد؛ در واقع اندکی پس از پایان واقعه، مسئولان سعودی دریافتند که مسأله حادثه از چیزی است که گمان کرده بودند. بازجویی‌های بعدی نشان داد که دامنه نفوذ جهیمان از افرادی که با او در اشغال حرم شرکت کردند فراتر بود.^۱ حادثه اشغال مسجدالحرام نقطه عطفی در میان جریان‌های سلفی بود و تاثیرات چشم‌گیری بر جریان‌های سلفی پس از خود داشت و آنها را بیشتر به سمت جهادی شدن و اقدامات خشن پیش برد؛ تا جایی که حکومت نیز به نوعی مجبور به همراهی با این جریان و منحرف کردن آن به کشورهای دیگر شد. برخی از مسئولین ارشد سعودی گفتند: ما جهیمان را کشتیم و افکارش را صادر کردیم.^۲ تروفیموف، معتقد است که، قیام مکه نقطه عطفی در تاریخ اسلام رادیکال و آغاز چیزی بود که به حادثه یازده سپتامبر منجر شد؛^۳ به باور او، داستان اشغال مسجدالحرام پیش درآمدی بر پیدایش القاعده است. پیش درآمدی که کمک می‌کند تا وقایع بعدی عراق و افغانستان بهتر درک شوند.^۴ برخی محققان مانند برگن و تروفیموف، جهیمان را پیشگام ایدئولوژیک القاعده می‌دانند.^۵ در مقابل، برخی تحلیل‌گران، تفاوت‌های ایدئولوژی جهیمان و القاعده را دلیل بر بطلان این مدعا می‌انگارند؛ مثلاً جهیمان حاکمیت

1. Trofimov, Yaroslav, *The Siege of Mecca*, P.175.

۲. احمد، عدنان، قصه و فکر المحتلین للمسجدالحرام، ص ۳۲.

3. Trofimov, Yaroslav, «the siege of mecca», randomhouse:
<https://www.randomhouse.com/doubleday/siegeofmecca/theAuthor.php>.

4. Trofimov, Yaroslav, Bookbrowse :
https://www.bookbrowse.com/biographies/index.cfm/author_number/1494/yaroslav-trofimov.

5. Bergen, Peter L. *The Osama bin Laden I know*



سعودی را مسلمان می دانست و بین نامشروع دانستن حکومت و تکفیر افراد فرق قائل بود. بر خلاف القاعده که فرقی بین حکومت و افراد در تکفیر نمی گذارد و این نشان از عدم ارتباط این دو با یکدیگر دارد.^۱ بعضی محققان هم حمایت ابومحمد مقدسی^۲ از جهیمان را شاهی برای انکار این ادعا که جهیمان پیشگام القاعده بوده می دانند؛ زیرا مقدسی گاه انتقادهای بسیار تندی علیه سران القاعده به خصوص بن لادن، ظواهری و زرقاوی دارد و اگر القاعده استمرار فکر جهیمان بود، مقدسی با آن مخالفت نمی کرد. علاوه بر این، فرهنگ و زمینه ایدئولوژیک القاعده کاملاً با اسلام انتقادی جهیمان تفاوت دارد. القاعده و گروه های مشابه ذاتاً سیاسی هستند و به دنبال سیاست های داخلی و بین المللی، افراطی شده اند.^۳ جهیمان متمرکز بر انتقاد از حاکمان سعودی بود در حالی که جهادی ها اهداف بین المللی را دنبال می کردند.^۴

در ارزیابی این ادعاها باید در نظر داشت که تأثیرپذیری جریانی مثل القاعده از جهیمان به این معنا نیست که آنها از تمام جهات مانند او رفتار کنند. ماموریت بین المللی القاعده از جهات بسیاری با حرکت جهیمان متفاوت است؛ در واقع این موضوع می طلبد که تصمیمات مقتضی و مناسب با شرایط اتخاذ شود و چه بسا اگر

1. Thomas Hegghammer and Stephane Lacroix, «REJECTIONIST ISLAMISM IN SAUDI ARABIA: THE STORY OF JUHAYM AN AL- UTAYBI REVISITED », J. Middle East Stud. 39, 2007, 103-122, P.117.

۲. عاصم بن محمد العتیبی البرقاوی ملقب به ابومحمد مقدسی است. مقدسی در کویت بزرگ شد و در آنجا تحت تأثیر جماعت سلفی محتسبه و جهیمان العتیبی قرار گرفت. مقدسی در آنجا با عبداللطیف الدرباس رفیق جهیمان آشنا شد. او همواره شیفته جهیمان بود و در اواخر دهه هشتاد به طور منظم به سعودی مسافرت می کرد و با دوستان جهیمان در صحرا دیدار می کرد.

(Wagemakers.Joas, «Abu Muhammad alMaqdisi: A CounterTerrorism Asset», CTC Sentinel, may 2008, VOL.1 Issue 6).

3. Allison, Marissa, MILITANTS SEIZE MECCA: THE EFFECTS OF THE 1979 SIEGE OF MECCA REVISITED, University of Mary Washington, Heather Greens Circle Spotsylvania, VA 22553, p.9.

4. Walker, Lee Jay, Siege of Mecca and Juhayman alOtaibi: CIA and GIGN operatives converted to Islam:

<http://global-security-news.com/2011/12/19/siege-of-mecca-and-juhayman-al-otaibi-cia-and-gign-operatives-converted-to-islam/>.



جهیمان هم در این شرایط بود به‌گونه‌ای متفاوت رفتار می‌کرد؛ ولی این منافاتی با الهام‌گیری از افکار جهیمان ندارد و منکر برانگیخته شدن آنان در پی اقدام متهورانه او نیست. به‌عنوان نمونه، مولف کتاب لماذا اخترت القاعدة، دلایلی برای پیوستن به القاعدة را ذکر کرده است. اهمیت این دلایل از آن جهت است که یک سلفی عضو القاعدة آنها را ذکر کرده و نگاهی از درون به انگیزه‌های آنان دارد. برخی از آن دلایل عبارتند از: سیر در راه جهاد، خوار شمردن دیگران به آنان ضرری نمی‌رساند، جنگ در راه حق، آنها غربا^۱ هستند، نزدیک‌ترین مردمان به ملت ابراهیم عليه السلام هستند، ملت ابراهیم عليه السلام اعلان برائت از کافران است، آنها برای دریافت نصر الهی به سنت شرعی عمل می‌کنند، آنان شدیدترین جماعت در کینه نسبت به یهود و نصاری هستند.^۲ اینها فقط چند مورد از آن دلایل چهل و شش گانه‌ای است که مولف برای پیوستن خود به القاعدة ذکر کرده و بزرگان القاعدة مانند "ناصر الوحیسی" به آن مقدمه زده‌اند. کسی که داستان جهیمان را مطالعه کند به وضوح همه این نکات را به‌طور برجسته در افکار و قیام جهیمان خواهد یافت. علاوه بر اینکه مخالفت مقدسی با برخی سیاست‌های سران القاعدة به معنای مخالفت با جریان کلی القاعدة نیست. همان‌طور که تأثیرپذیری مقدسی از جهیمان به معنای پذیرش همه افکار او نیست؛ مثلاً او از اینکه جهیمان حاکمان سعودی را مسلمان می‌دانست ابراز تأسف می‌کند.

ناصر الحزیمی نیز معتقد است که به راحتی نمی‌توان گفت که جریان‌های جهادی امروز، مولود تفکر و حرکت جهیمان هستند؛ چراکه اینان در جستجوی قدرت و

۱. «اشاره به حدیث ابوهریره است: عن أبي هريرة قال: قال رسول الله ﷺ إن الإسلام بدأ غريباً وسيعود غريباً فطوبى للغرباء»؛ (ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۱۹، کتاب الفتن، باب بدا الاسلام غریبا، ح ۳۹۸۶).
با اشاره به این مطلب که از کمی عدد نباید هراسید، جهیمان در رساله الفتن صفحه ۱۹ می‌گوید: دریافت نصر الهی به کثرت عدد نیست و عجیب است که مسلمین امروز هرچه تعدادشان بیشتر می‌شود خذلان و خواری آنها نیز بیشتر می‌شود و مصداق این آیه هستند که فرمود: «وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا». در رساله رفع الالتباس ص ۱۴ می‌گوید: پیامبر ﷺ با عده کمی صحابه کاری کرد که روم و فارس که معادل امریکا و روسیه امروز بودند از آنها هراس داشتند.

۲. کلوی العولقی، محمد عمیر، لماذا اخترت القاعدة، الملاحم، ۲۰۱۰، ص ۱۵-۱.

حکومت هستند، اما جهیمان نظری جز خلاصی و رهایی نداشت.^۱ البته باید در نظر داشت که تاثیر یک قیام یا انقلاب بر دیگران به این معنا نیست که بخواهند آن را به طور کامل بازسازی و تقلید کنند؛ بلکه هر گروه و جریانی به فراخور حال خود ممکن است از یک عامل تاثیر بپذیرد، اما رفتار و واکنش های متفاوتی را از خود به نمایش بگذارد. نمونه بارز این مطلب، تاثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران در کشورهای مختلف جهان اسلام است که در همه به طور یکسان نیست و بر اساس تفاوت مولفه های اجتماعی، قومیتی، اقتصادی و فرهنگی و... تاثیرپذیری متفاوتی دارند؛ اگرچه جهیمان راهکار خود برای اصلاح جامعه را در قالب بیعت با مهدی به اجرا گذاشت، اما کسی که تفکرات و زندگی او و جماعت سلفی محتسبه را مطالعه کند، متوجه می شود که ابعاد زیادی در شخصیت و افکار جهیمان وجود داشت که می توانست سلفیت موجود در آن زمان را رادیکال تر نماید؛ در واقع جهیمان روحیه ای را در سلفیت پس از خود زنده کرد که سازمان سیاسی و دینی موجود را به رسمیت نمی شناخت؛ گرچه سلفیت پس از جهیمان در مقام عمل، واکنشی همانند جهیمان نسبت به آنها نداشتند و به شیوه خود رفتار می کردند.

علل تاثیرگذاری جهیمان

در این بخش برخی از علل توفیق حرکت و اندیشه جهیمان در اثرگذاری بر سلفیت آینده مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

اول: جهیمان به لحاظ شخصیتی، ویژگی های خاصی داشت که او را به شخصیتی جذاب برای جامعه وهابی و سلفی تبدیل می کرد. او از قبیله ای مورد احترام در میان وهابی ها بود. قبیله بزرگ عتیه از نیروهای اصلی "اخوان من طاع الله" شناخته می شد؛ به خصوص که پدر جهیمان از نزدیکان سلطان بن بجاد بود.^۲ افراد این قبیله در نیروی پلیس و ارتش نقش مهمی داشتند. حتی برخی معتقدند از علل ناکامی آل سعود در

1. «Juhayman's Sins» Interview with Nasser AlHuzeimi, Majalla Magazine, November 21, 2009.

۲. نقیدان، منصور، الجماعة السلفية المحتسبة، ص ۱۱۷.

شکست حصر حرم، عدم تمایل برخی نیروهای نظامی وابسته به قبیله عتیه یا قبایل هم‌پیمان با آن، به درگیری با جهیمان بود.^۱ خصوصیات فردی او مانند سخاوتمند بودن، شجاعت و نگاه نافذش سبب این بود که جهیمان مورد علاقه بسیاری از جوانان باشد.^۲ در کل، جهیمان مجموعه خصائص و افکار مطلوب فرهنگ وهابی بدوی را در خود داشت و به معنای واقعی، نماینده این جریان فکری بود. در دهه‌های اخیر که به لطف ثروت حاصل از فروش نفت، عربستان در جهان اسلام، شروع به گسترش نفوذ خود از راه دین نمود، اسلام وهابی نجدی که در درون خود روح بدویت را داراست، تبلیغ و ترویج شد؛ در واقع این قرائت از دین، گرایش جوانان به افرادی مانند جهیمان، که نماینده راستین این اسلام بود را سبب می‌شد.

دوم: اندیشه‌های جهیمان که عمدتاً در رسائل او مطرح شده بود، پاسخ‌گوی برخی خلأهای ایدئولوژیک جریان سلفیت در دهه‌های اخیر بود. جهیمان در رساله "رفع الالتباس عن ملة من جعله الله اماماً للناس"، مسلک درگیری با نظام حاکم را برگزیده است؛ همان کاری که ابراهیم خلیل عليه السلام انجام داد. او ملت ابراهیم عليه السلام را بر دو اصل اخلاص در عبادت الله و تبری از شرک و اهل شرک و اظهار دشمنی و عداوت با آنها استوار می‌داند و اسلام بدون این اصل به کمال و تمامیت نمی‌رسد.^۳ او در انتقاد از جامعه متدین و مذهبی معتقد است: اگر کسی که قدرت در دست ندارد خطا کند بر او سخت می‌گیرند، اما اگر سلطان خطا کند برایش عذر می‌تراشند و اگر عذری نیافتند برای خودشان عذرتراشی می‌کنند که در موضع ضعف هستند و قدرت تغییر امور را ندارند. این در حالی است که سکوت در مورد برخی و بیان در مورد برخی دیگر، بر خلاف ملت ابراهیم عليه السلام است که نه از جان و نه از مالش ترسید.^۴ او در ادامه می‌گوید: کسانی که شغل‌های دولتی قبول می‌کنند، اگر به صراحت، عداوت خود را با حاکمان و

۱. تروفیموف، یاروسلاو، حصار مکه، ص ۶۳.

۲. حزیمی، ناصر، ایام مع جهیمان، ص ۳۸.

۳. عتیبی، جهیمان، رساله رفع الالتباس عن ملة من جعله الله اماماً للناس، ص ۵.

۴. همان، ص ۷.



روش آنها بیان کنند مورد آزار قرار گرفته و از مناصب بیرون می‌شوند؛ در نتیجه در مقابل خطاهای حکومت سکوت می‌کنند و این بر خلاف ملت ابراهیم علیه السلام است. این نگاه جهیمان با جریان رایج در میان اهل سنت متفاوت بود. او سکوت در مقابل خطای سلطان و حاکم را جایز نمی‌دانست.^۱

شاید بتوان گفت که مهم‌ترین شخص از بازماندگان جهیمان، ابومحمد مقدسی است.^۲ مقدسی بسیار تحت تاثیر این رساله بود^۳ و به همین دلیل کتاب ملت ابراهیم علیه السلام را نگاشت. این کتاب مانند کنوانسیون تکفیری‌ها است.^۴ همان‌طور که قبلاً ذکر شد در کتاب لماذا اخترت القاعدة، نویسنده در دو مورد با عنوان‌های «لأنهم أسعد الناس بملة إبراهيم» و «ملة إبراهيم إعلان البراءة من الكافرين» به ملت ابراهیم علیه السلام اشاره می‌کند و حرکت القاعدة را در این راستا می‌داند. مقدسی کسی بود که این مفهوم را در ادبیات سلفی نهادینه کرد.

مقدسی در کتاب ملت ابراهیم علیه السلام پس از حمله به حاکمان می‌گوید: چرا حکومت مردم را به خواندن کتاب‌هایی مانند کتب جهیمان و امثال او که توحید در آنها تجسد پیدا کرده است تشویق نمی‌کند؟ اگر مسأله آنها نگرانی از تکفیر حکومت است که جهیمان حکومت را تکفیر نکرده است؛ بلکه نگرانی آنها این است که این توحیدی که جهیمان مطرح می‌کند مخالف مزاج و طبع و هوای نفس طاغوت‌ها است. توحید سیاسی است که شامل مسأله تولی و تبری و بیعت و امارت است. رساله امر به معروف و نهی از منکر جهیمان را مطالعه کنید که او را در این قضیه، صاحب بصیرت خواهید یافت.^۵

۱. همان، ص ۱۳.

۲. نقیدان، منصور، السلفیون اهل الحديث، ص ۱۰۴.

۳. گفتگوی تحلیل‌گر هلندی با منصور النقیدان در مورد ابومحمد مقدسی، لقاء مع منصور النقیدان حول ابومحمد المقدسی.
http://alnogaidan.com/joas_wagemakers

4. McCants, William, *Militant Ideology Atlas*, p.283.

۵. مقدسی، ابومحمد، ملة ابراهیم علیه السلام، ص ۱۶.



مقدسی در کتاب کواشف به نقل و نقد کلمات جزائری^۱ در حمایت از آل سعود پرداخته و می‌گوید: اینکه گفتی آل سعود اقامه حق و دین می‌کنند و آرزوی هر مومنی است که در این حکومت زندگی کند و جز منافق آنها را دشمن نمی‌دارد، کدام اقامه دین را می‌گویی؟ این چه فریب و نیرنگی است؟... آل سعود عقل شما را با اعطای تابعیت گرفته است یا با دادن ریال؟... خدا جهیمان را رحمت کند که تو را به خوبی شناخته بود و حاضر به همکاری با تو نشد و گفت که اسرار جلسات را به حکومت گزارش می‌دهی.^۲

در آن کتاب، مقدسی، با همان قرائت جهیمان، داستان اخوان و خیانت عبدالعزیز و خبر دادن سلطان بن بجاد را، از آنکه عبدالعزیز می‌خواهد حجاز را در اختیار نصرانی‌ها بگذارد، نقل می‌کند^۳ و سپس زندگی امروز سعودی را شاهی بر صدق آن ادعا می‌داند.^۴ مقدسی این را از فریب آل سعود می‌داند که برخی احکام شرعی مثل حد شرب خمر را در مورد افراد ضعیف اجرا می‌کند تا ساده لوحان خیال کنند که این‌ها شریعت را اجرا می‌کنند؛ در حالی که در بسیاری از موارد دیگر، به شریعت اعتنا نمی‌کنند.^۵ کسی که با آثار جهیمان آشنا باشد، به وضوح می‌داند که این ادبیات، ادبیات جهیمان است و در جای جای رسائلش این مطلب را بیان کرده است. جهیمان در نکوهش این سیاست، به حدیثی درباره زنی از مخزوم قریش استناد می‌کند که سرقت کرده بود. آنها گفتند کسی با رسول خدا ﷺ صحبت کند تا زن حد نخورد؛ پس اسامه را جلو فرستادند. رسول

۱. «شیخ ابوبکر الجزائری از اعضای جماعت سلفی محتسبه بود که از سوی بن باز به عنوان مسئول بیت اخوان در مدینه انتخاب شده بود و جماعت تحت اشراف او بود؛ تا اینکه پس از مدتی بین او و جهیمان اختلاف پیش آمد که منجر به انشقاق و شکلاف در جماعت شد؛ عده اندکی با جزائری ماندند و اکثر گروه که جوانان بودند به سوی جهیمان رفتند و از این پس او رهبر مطلق جماعت شد»؛ (نقیدان، منصور، السلفیون اهل الحديث، ص ۶۶).

۲. مقدسی، ابومحمد، الكواشف الجلیة في كفر الدولة السعودية، ص ۶-۵.

۳. «جهیمان می‌گوید: این دولتی که خود را دولت توحید می‌نامد بین صفوف مسلمین و نصاری و مشرکین (شیعیان) وحدت ایجاد کرده... عبدالعزیز اخوان را به یاری خود دعوت کرد و آنها برای خدا در رکاب او به سرزمین‌های مختلف هجرت کردند. آنها را بر اساس کتاب خدا و سنت به بیعت فراخواند پس آنها در رکاب او مجاهده کردند و سرزمین‌ها را فتح کردند اما وقتی قدرت او تثبیت شده و به مقصودش رسید نسبت به نصاری موالات نشان داد و اجازه جهاد به کسانی که می‌خواستند در عراق با مشرکینی که علی و فاطمه و حسن را می‌خوانند، نداد و آنها را منع کرد»؛ (حزیمی، ناصر، ایام مع جهیمان، ص ۱۱۳).

۴. مقدسی، ابومحمد، الكواشف الجلیة في كفر الدولة السعودية، ص ۱۴.

۵. همان، ص ۱۸.

خدا ﷻ در جواب فرمود: آیا در حدی از حدود خدا شفاعت می‌کنی؟ سپس فرمود: ای مردم، پیشینیان شما به این دلیل گمراه شدند که وقتی شریف و بزرگی سرقت می‌کرد او را رها می‌کردند و اگر شخص ضعیف سرقت می‌کرد بر او حد می‌زدند.^۱

البته مقدسی در بسیاری از امور، افراطی‌تر از جهیمان است که از مهم‌ترین آنها، حکم به تکفیر حاکمان مسلمان است. او مصداق برائت ابراهیم ﷺ در عصر حاضر را، در درجه اول نسبت به حاکمان سیاسی می‌داند که نه تنها کافر، بلکه بت هستند.^۲

مقدسی از اینکه جهیمان این دولت‌ها را مسلمان تلقی می‌کرد ابراز تأسف می‌کند؛ در واقع مقدسی نوشته‌های جهیمان را طوری به خدمت گرفت که با اهداف ایدئولوژی جهادی هماهنگ باشد و این خود، نشان از استمرار نفوذ جهیمان است.

از دیگر نکات موجود در ایدئولوژی جهیمان که برای سلفیت امروزی جذاب است، رد و نکوهش علمای معاصر و عدم لزوم اتباع از آنان است. جهیمان، هم حاکمان سعودی را متهم به فساد می‌کرد و هم عوامل مشروعیت آنها که علمای وهابی بودند را فاسد می‌دانست.^۳ او تقریباً در سراسر رساله "البيان والتفصيل في وجوب معرفة الدليل" بر این موضوع تأکید دارد که اصحاب پیامبر ﷺ همه دین را به صورت بسیط و ساده یاد گرفته بودند. آنها اسیر دست علما نبودند که مسائل را مبهم و مغلق و چند وجهی کنند تا عوام از فهم آن عاجز شود و چشم و گوش بسته مطیع علما گردند؛ بلکه آیه و حدیث را می‌شنیدند و به آن عمل می‌کردند و با همان مقدار از فهم هم، فقیه بودند. طبیعی است این کلمات برای مخاطب جوان و نوعاً بی‌سوادی که قصد تمرد از حدود، و عمل به میل خود، با استناد به ظاهر حدیث یا آیه‌ای را داشتند، مطلوب می‌نمود.

از مطالب ایدئولوژیک دیگری که در کلمات جهیمان یافت می‌شود که برای سلفیت و به‌ویژه القاعده، مطلوب و الهام‌بخش است، کثرت حمله جهیمان به نصاری و یهود است. تکرار دو کلمه یهود و نصاری فقط در سه رساله جهیمان، به شرح ذیل است:

۱. عتبی، جهیمان، رسالة رفع الالتباس عن ملة من جعله الله اماماً للناس، ص ۸-۷.

۲. مقدسی، ابومحمد، هداية الحليم الى اهم المهمات في ملة ابراهيم ﷺ، ص ۵-۲.

۳. مسجد جامعی، محمد، تحول و ثبات در خلیج فارس، ص ۱۵۲-۱۵۱.

نام رساله	تکرار کلمه یهود	تکرار کلمه نصاری
رسالة الفتن و اخبار المهدي و نزول عيسى و اشراط الساعة	۱۸	۱۳
رسالة النصيحة	۱۳	۹
رسالة الامارة و البيعة والطاعة	۳	۹

علاوه بر این، او از کلمات دیگری مانند کفار، رومی یا غرب نیز، برای اشاره به آنها استفاده کرده است.

سوم: از زمان دستگیری‌های اول که دو سال قبل از قیام اتفاق افتاد، تا زمان اشغال حرم، جهیمان در خفا بود و در این مدت به نقاط مختلف می‌رفت و با برخی از اخوان دیدار داشت. در این مدت رسائل او نیز در عربستان پخش می‌شد. این مسائل موجب شد تا جماعت اخوان در اذهان مردم متدین، مجاهدان راه خدا تلقی شوند که در راه کلمه حق، زندانی یا آواره شده‌اند.^۱ جماعت اخوان در چشم مردم به قهرمانانی تبدیل شدند که مردم را جذب آنها می‌کرد. حتی کسانی که از حیث فکری با دیدگاه جماعت اخوان قانع نشده بودند، به پیروی افکار آنها می‌گرویدند.^۲ تا جایی که پس از اشغال حرم، برخی از کسانی که در مورد مهدی بودن محمد بن عبدالله قحطانی قانع نشده بودند و در اشغال حرم شرکت نکردند، وقتی خبر قیام جهیمان و حصر آنها در داخل حرم را شنیدند، برای اینکه فشار از جهیمان برداشته شود تصمیم گرفتند که مسجدالنبی را به روشی مشابه اشغال کنند؛ اما موفق به انجام این کار نشده و پس از درگیری با پلیس کشته شدند.^۳ چه‌بسا اگر قیام جهیمان چند روز بیشتر طول می‌کشید تمامی عربستان متشنج می‌شد و کنترل جامعه از دست حکومت خارج می‌شد.^۴

چهارم: نکته دیگری که تاثیر جهیمان بر جریان‌های بعدی را افزایش داد، انتشار

۱. حزیمی، ناصر، ایام مع جهیمان، ص ۶۳.

۲. همان، ص ۶۵.

۳. هیگهامر، توماس، لاکرو، استیفان، حتی لایعود جهیمان، ص ۷۳.

۴. مسجد جامعی، محمد، تحول و ثبات در خلیج فارس، ص ۱۵۲.



رساله‌های جهیمان بود. پس از دستگیری‌های اول، جهیمان و دوستانش دیگر امکان تجمع و نشست‌های مرسوم خود را نداشتند. می‌توان گفت زندگی پنهانی و در صحرا، جهیمان را به سمت مکتوب کردن افکار و آرای خود کشاند و او شروع به ضبط و نگارش افکار خود کرد؛ گرچه نوارهای صوتی جهیمان تا دهه ۱۹۹۰ در محافل اسلام‌گرایان سعودی می‌چرخید، اما الان هیچ‌کدام از نوارهای ضبط شده از او در دسترس نیست^۱ و در عوض، رسائل او برجای ماند و توزیع شد. انتشار رسائل جهیمان در گسترش افکار او تاثیر داشت.^۲ این رسائل در کویت چاپ می‌شد و سپس از راه صحرا به عربستان قاجاق می‌شد؛ در نتیجه این رسائل به راحتی در کویت و دیگر کشورهای منطقه پخش شد. در همان روز اشغال حرم، رسائل جهیمان در مساجد کویت توزیع می‌شد. درباره تعداد دقیق این رسائل اختلاف وجود دارد.^۳ اولین رساله (رفع الالباس)، در ۳۱ اگوست ۱۹۷۸، همزمان در چند شهر عربستان توزیع شد. چند ماه بعد در نوامبر ۱۹۷۸ در ایام حج، رسائل سبعة و چند ماه بعد، ۴ رساله دیگر با هم منتشر و پخش شد. عبدالرحمن عبدالخالق، رهبر سلفی‌های امارات نیز در ۱۹۷۸، در روزنامه کویتی الوطن، مطالبی را در نقد دیگاه‌های جهیمان نوشت که نشان می‌دهد این رسائل در آنجا هم پخش شده بود.^۴ رسائل جهیمان از جمله کتب پرفروش در تاریخ چاپ و نشر مصر شد. این مجموعه ۴۳۸ صفحه‌ای، (به همراه پی نوشت)، هنوز در ویتترین کتاب‌فروشی‌های قاهره قابل مشاهده است.^۵

پنجم: مخالفان آل سعود نیز در ترویج افکار جهیمان نقش داشتند. جهیمان تقریباً تنها تهدید و فشاری درونی‌ای بود که علیه آل سعود قد برافراشت؛ به همین دلیل، حتی

1. Thomas Hegghammer and Stephane Lacroix, ibid, p.110.

۲. گرچه این رسائل به اسم رسائل جهیمان معروف هستند اما همه آنها نوشته جهیمان نیست؛ در واقع از رساله‌های موجود، فقط هشت مورد آنها امضای جهیمان را دارد. (p.111, ibid, Thomas Hegghammer and Stephane Lacroix)

3. Kechichian, Joseph A, "Islamic Revivalism and Change in Saudi Arabia: Juhayman al-Utaybi's 'Letters to the Saudi People'", The Muslim World 70, 1990, 1-16.

4. Hegghammer and-Lacroix, ibid, P.111

5. Trofimov, Yaroslav, The Siege of Mecca, P.87

کسانی که به هیچ وجه عقایدی مانند جهیمان نداشتند به نوعی از او حمایت کردند. انتشارات دارالطلیعه کویت حاضر شد، با کمتر از یک سوم قیمت معمول، رسائل جهیمان را چاپ کند.^۱ صاحبان این انتشارات سکولارهای مخالف رژیم آل سعود و مورد حمایت دولت عراق بودند. این انتشارات، عقاید ناسیونالیسم عرب، رژیم بعث صدام را ترویج و اشاعه می داد. گردانندگان این انتشارات هیچ وجه مشترکی با اظهارات افراطی، تکفیری و وهابی جهیمان نداشتند؛ اما وجه مشترک خیلی زود پیدا شد که نفرت هر دو طرف از آل سعود بود.^۲

ششم: شکل قیام و وقوع آن در مسجدالحرام و هتک حرمت مسجد، بر اهمیت ماجرا و تاثیر آن افزود. علمای سعودی در متن فتوایی که اجازه حمل سلاح برای مقابله با گروه مسلح را صادر می کرد، به آیه: «وَلَا تَقَاتِلُوا هُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ»، استناد کردند. آنها جهیمان و هم قطارانسان را مسلمان می دانستند؛ در حالی که این آیه در مورد کفار است؛ به همین دلیل، آنها احساس نیاز کردند تا به همراه این فتوا، بیانیه ای برای توضیح فتوا منتشر کنند. آنها در این بیانیه متذکر شدند که گرچه این آیه فقط در ارتباط با کافران نازل شده است، اما کسانی که مثل آنان رفتار کنند را نیز در بر می گیرد.^۳ این بیانیه درسی بود که نسل های آینده مسلمانان افراطگرا، هرگز آن را فراموش نکردند و نخواهند کرد؛ در واقع اگر مسلمانی مثل جهیمان به خاطر اعمالش کافر باشند، پس بدیهی است که هم پیمانان آمریکا در دنیای اسلام و آل سعود را هم می توان تکفیر کرد؛ البته در مقابل، حامیان جهیمان تفسیر دیگری از هتک حرمت مسجد داشتند. القحطانی علت انتخاب مسجدالحرام برای قیام را نوعی اعتصام و پناهندگی می داند. آنها زن و بچه ها و نزدیکان شان را داخل حرم بردند تا سیطره بر حرم پیدا کنند و در آنجا بمانند و خواسته ها

۱. حزیمی، ناصر، ایام مع جهیمان، ص ۶۶.

۲. تروفیموف، یاروسلاو، حصار مکه، ص ۳۶.

۳. قحطانی، فهد، زلزال جهیمان فی مکه، ص ۳۳۱.



و مطالباتشان را اعلان نمایند. نقشه عملیات طوری طراحی شده بود که به مدت طولانی در حرم بمانند؛ بنابراین، جماعت برای خود مقدار زیادی غذا و آذوقه آماده کرده بود. حمل سلاح به داخل حرم حاکی از عدم اعتماد جهیمان به حکومت بود و جماعت می‌دانستند که حکومت برای سرپوش گذاشتن به خواسته‌های آنها از قتال در داخل حرم هم ترسی ندارد؛ لذا برای دفاع از خود سلاح با خود بردند.^۱ آل سعود می‌توانست صبر کند تا آذوقه جماعت تمام شود و تسلیم شوند، یا اینکه به شکلی در خارج از حرم به درگیری پردازند؛ اما چرا سریع به سمت جماعت حمله کردند؟ آنها از بهانه گروگان‌ها استفاده کردند و همه اینها از جمله فتاوایی که بعداً صادر شد برای آن بود که موقف و هدف و هویت پناهندگان به حرم مجهول بماند.^۲ قبل از قیام هم وقتی یکی از یاران جهیمان درباره حرمت حمل سلاح به مسجدالحرام پرسید، جهیمان پاسخ داد: سلاح جنبه دفاعی دارد. تا آنان شلیک نکنند ما شلیک نمی‌کنیم.^۳ مقدسی نیز عامل اصلی خونریزی و هتک حرمت را حکومت سعودی می‌داند که بی‌محابا به مسجدالحرام حمله کردند و تانک‌هایشان دیوارهای حرم را شکافت.^۴ بن‌لادن هم با اشاره به همین مسأله گفت: جهیمان و یارانش از هر جرم و گناهی مبرا هستند.^۵ از نظر آنان جهیمان با اقدام خود چهره واقعی آل سعود را آشکار کرد.

هفتم: جنگ افغانستان و حضور اسلام‌گرایان از کشورهای مختلف زمینه را برای انتقال میراث جهیمان هموار می‌کرد. یاران جهیمان پس از شکست حرکت او به افغانستان رفتند تا جهاد را به شکل عملی تجربه نمایند. علاوه بر شخصیت‌های متنفذی مانند مقدسی که متأثر از جهیمان بودند و برخی دیگر از یاران جهیمان که از زندان آزاد شده و به افغانستان رفتند، رابطه بین خاندان بن‌لادن و جماعت جهیمان نیز قابل تأمل

۱. همان، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۷۱.

3. Trofimov, Yaroslav, *The Siege of Mecca*, P.44

۴. مقدسی، ابومحمد، الکواشف، ص ۲۱۰.

5. Wright, Lawrence, *The loomomg tower*, p.94

است. در روزهای نخست اشغال حرم، اسامه بن لادن و برادرش محروس، در حال بازگشت از مزرعه خانوادگی خود، در راه جده به مکه بازداشت شدند. آنها چند روز در بازداشت بودند تا اینکه به سبب موقعیت خانوادگی شان آزاد شدند. اسامه، یک هفته نیز در منزلش منزوی بود تا از جهیمان و یارانش اعلام برائت کرد.^۱ درباره علت بازداشت آنها گفته شده که محروس، مجذوب جهیمان شد و به گروه جهیمان پیوست و به کمک او، شورشی‌ها موفق شدند با کامیون‌های متعلق به شرکت بن لادن سلاح وارد حرم کنند؛^۲ چراکه شرکت بن لادن مسئول ساخت و ساز حرم بود و کارگران و مهندسان این شرکت، به نقاط مختلف ساخته شده اشراف داشته و نقشه‌های بخش‌های مختلف حرم را در اختیار داشتند.^۳ برخی منابع معتقدند، پس از طولانی شدن داستان استیلا و بروز تردید درباره اقدام جماعت، محروس با نیروهای امنیتی همکاری کرد.^۴ در زمان اشغال حرم، بن لادن ۲۲ سال سن داشت. می‌توان تصور کرد که او نسبت به این گروه چه احساسی داشته است. چند ماه بعد، او به افغانستان رفت و به صف مجاهدان پیوست. ترک زندگی مرفه و ثروت خانوادگی و رفتن به جنگ در افغانستان نمی‌تواند اتفاقی سریع بوده باشد^۵ و همین احتمال، تاثیر پذیرفتن بن لادن از افکار و قیام جهیمان را بیشتر می‌کند؛ البته برای اثبات این ادعا مدرک محکمی وجود ندارد. یکی از یاران اسامه بن لادن نقل می‌کند: در اواسط دهه هشتاد، زمانی که موضع اسامه شفاف‌تر بود، در یک جلسه خصوصی که در بین یارانش بوده از او چنین شنیده است که می‌گوید: مردانی که مسجدالحرام را اشغال کردند، مسلمانانی صادق بوده که از هر جرم و گناهی مبرا هستند. آنها به‌طور وحشیانه کشته شدند.^۶

1. ibid.

2. Walker, Lee Jay, From siege of Mecca to pro-Islamic polices in Bosnia .at: <http://serbianna.com/analysis/archives/650>

3. Tristam, Pierre. , 1979 Seizure of the Grand Mosque in Mecca .at : <https://www.thoughtco.com/seizure-of-grand-mosque-in-mecca-2353586>

4. Trofimov, Yaroslav, *The Siege of Mecca*, P.247

5. Quincy, John, Mecca's Burning, Part I: Assault on the Grand Mosque, N.p., n.d. Web. 20 Apr. 2015.

6. Wright, ibid.



هشتم: قیام جهیمان از آن جهت که سازماندهی پیشرفته‌ای نداشت، برای دیگر گروه‌ها الهام بخش بود؛ در واقع همین موضوع موجب می‌شد، تا جوانان دیگر نیز انگیزه اقدام مشابه را داشته باشند.^۱ نمونه بارز این امر، ساکنان بیت «شبرا» در سعودی هستند. این گروه با سه نفر که در یک آپارتمان در ریاض زندگی می‌کردند شروع شد؛ اما به تدریج خود را توسعه دادند؛ به طوری که در جلسات آنها چند صد نفر شرکت می‌کردند.^۲ آنها نظام روحانیت کشور را فاسد و جریان صحوه را بیش از اندازه سیاسی می‌دیدند. به همین دلیل به ضرورت تاسیس چنین سازمانی رسیدند. آنها نیز مانند مقدسی افکار جماعت سلفی محتسبه و جهیمان را داشتند، اما در تکفیر حاکمان، طریق افراط را برگزیدند.^۳ ساکنان منزل شبرا شیفته جهیمان بودند و خود را خلف و جانشینان ایدئولوژیک او می‌دانستند. آنان به علت کمی سن‌شان، شخص جهیمان را درک نکرده بودند؛ به همین دلیل به دنبال اعضای سابق جماعت سلفی محتسبه و دوستان جهیمان به صحرا می‌رفتند. آنها همچنین از اعضای سابق جماعت سلفی محتسبه دعوت می‌کردند تا به بیت شبرا بیایند، که البته خود مقدسی نیز در یکی از سفرهایش به سعودی، وارد این منزل شد.^۴

نتیجه‌گیری

اگرچه قیام جهیمان در قالب اشغال مسجدالحرام و بیعت با مهدی و دنبال کردن سناریوی آخرالزمان تحقق یافت، اما افکار و اندیشه‌های او الهام‌بخش گروه‌های اسلامی آینده شد؛ البته تاثیرپذیری سلفیت جدید از جهیمان، به این معنا نیست که از تمام جهات مانند او رفتار کنند. ماموریت بین‌المللی القاعده از جهات بسیاری با حرکت جهیمان متفاوت است. با این حال، اشخاص سرشناسی مانند ابومحمد مقدسی از جهیمان تاثیر پذیرفتند و همان افکار را برای مخاطب سلفی بین‌المللی و به تناسب

1. Wright, ibid.

2. Hegghammer and Lacroix, ibid, p. 118.

3. Allison ibid

۴. هبگهامر، توماس، لاکرو، استیفان، حتی لایعود جهیمان، ص ۶۲.

شرایط جدید، بازتولید کردند. در عمل، آنچه القاعده را برای سلفی‌ها جذاب می‌کرد، همان عناصری بود که در قیام جهیمان دیده می‌شد. شخصیت جهیمان و قیام او در مسجدالحرام، در جلب توجه‌ها به او تاثیر داشت؛ همچنین مطالب فراوانی در ایدئولوژی جهیمان یافت می‌شد که مطلوب سلفی‌ها بود. انتشار و توزیع رسائل جهیمان و جماعت او هم، سهم قابل توجهی در ترویج افکار آنها داشت. عامل دیگری که به ترویج افکار جهیمان کمک کرد، استفاده مخالفان آل سعود از جهیمان برای ضربه زدن به حاکمیت سعودی بود. جنگ افغانستان و حضور اسلام‌گرایان از کشورهای مختلف نیز زمینه را برای انتقال میراث جهیمان هموار می‌کرد. ساختار جماعت جهیمان و فقدان سازماندهی پیشرفته در آن نیز، برای دیگر گروه‌ها الهام بخش بود. در دنیای کنونی نوعی وهابیت بدوی نجدی بر فضای اسلام‌گرایی سلفی سایه انداخته است که جهیمان و امثال او، نمادهای تجسد یافته آن هستند و همین امر موجب الگو شدن آنها برای دیگران است.



منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقامحمدی، مرتضی، شش گفتار در سلفیت معاصر، قم: رسول اعظم ﷺ، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
۳. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فوا عبدالباقی، بیروت: مكتبة العلمیه، بی تا.
۴. احمد، عدنان، وثائق جهيمان استعادة اوراق منسية، دبی: مركز المسبار للدراسات و البحوث، ۲۰۱۱م.
۵. حزیمی، ناصر، ایام مع جهيمان. ریاض: الشبكة العربية للابحاث و النشر، ۲۰۱۲م.
۶. عتیبی، جهيمان، رسالة الفتن و اخبار المهدي و نزول عیسی و اشراط الساعة، وب سایت منبر التوحید و الجهاد، بی تا، آدرس: <http://www.tawhed.ws>
۷. عتیبی، جهيمان، رسالة الامارة و البيعة و الطاعة. وب سایت منبر التوحید و الجهاد، بی تا، آدرس: <http://www.tawhed.ws>
۸. عتیبی، جهيمان، النصيحة. وب سایت منبر التوحید و الجهاد، بی تا، آدرس: <http://www.tawhed.ws>
۹. عتیبی، جهيمان، رسالة رفع الالتباس عن ملة من جعله الله اماماً للناس، وب سایت منبر التوحید و الجهاد، بی تا، آدرس: <http://www.tawhed.ws>
۱۰. عتیبی، جهيمان، البيان و التفصيل في وجوب معرفة الدليل، وب سایت منبر التوحید و الجهاد، بی تا، آدرس: <http://www.tawhed.ws>
۱۱. قحطانی، فهد، زلزال جهيمان في مكة، بی جا: منظمة الثورة الإسلامية في الجزيرة العربية، ۱۹۸۷م.
۱۲. كلوی العولقی، محمد عمیر، لماذا اخترت القاعدة، بی جا: مؤسسة الملاحم للانتاج الاعلامی، ۲۰۱۰م.
۱۳. مقدسی، ابو محمد، ملة ابراهيم ﷺ ودعوة الأنبياء والمرسلین، منبر التوحید و الجهاد، ملف ابی محمد المقدسی، کتب و ابحاث، ۱۹۸۴م، آدرس: http://www.ilmway.com/site/maqdis/MS_65.html



١٤. مقدسى، ابومحمد، الكواشف الجلية في كفر الدولة السعودية، منبر التوحيد و الجهاد، ملف ابى محمد المقدسى، كتب و ابحاث، ١٩٨٩م، آدرس:

http://www.ilmway.com/site/maqdis/MS_65.html

١٥. مقدسى، ابومحمد، هداية الحليم الي اهم المهمات في ملة ابراهيم عليه السلام، منبر التوحيد و الجهاد، ملف ابى محمد المقدسى، مقالات و رسائل، ١٩٩٥م، آدرس:

http://www.ilmway.com/site/maqdis/MS_65.html

١٦. نقيدان، منصور، الجماعة السلفية المحتسبة دراسة في فكر المحتلين للمسجد الحرام، قصه و فكر المحتلين للمسجد الحرام، دبی: مركز المسبار للدراسات والبحوث، ٢٠١١م.

١٧. هيگهامر، توماس، لاکرو، استيفان، حتي لايعود جهيمان، مترجم: حمد عيسى، بيروت: منتدى المعارف، ٢٠١٤م.

١٨. ، گفنگوی تحليل گر هلندی با منصور النقيدان در مورد ابومحمد مقدسى، لقاء مع منصور النقيدان حول ابومحمد المقدسي، ٦ دسامبر ٢٠٠٨م، آدرس:

http://alnogaidan.com/joas_wagemakers./۲۰۰۸_۶_

19. Trofimov, Yaroslav, The siege of Mecca. USA: Anchor Books, 2007.

20. Trofimov, Yaroslav, The siege of Mecca. the siege of mecca, n.d, at:

<https://www.randomhouse.com/doubleday/siegeofmecca/theAuthor.php>.

21. Trofimov, Yaroslav, Bookbrowse, n.d. at:

https://www.bookbrowse.com/biographies/index.cfm/author_number/1494/yaroslav-trofimov.

22. Tristam, Pierre, 1979 Seizure of the Grand Mosque in Mecca. The Attack and the Siege That Inspired Osama bin Laden, (Updated May 09, 2017), available at:

<https://www.thoughtco.com/seizure-of-grand-mosque-in-mecca-2353586>

23. Allison, Marissa, MILITANTS SEIZE MECCA: THE EFFECTS OF THE 1979 SIEGE OF MECCA REVISITED, University of Mary Washington, Heather Greens Circle Spotsylvania, VA 22553, (n.d).

24. Hegghammer, Thomas and Lacroix, Stephane, REJECTIONIST ISLAM ISM IN SAUDI ARABIA: THE STORY OF JUHAYM AN AL-UTAYBI



- REVISITED. *Int. J. Middle East Stud.* 39 (2007), 103-122. Printed in the United States of America DOI: 10.1017.S0020743806391064
25. Bergen, Peter L, *The Osama bin Laden I know*, New York: Free Press, 2006.
 26. McCants, William, *Militant Ideology Atlas*, Combatting Terrorism Center, U.S. Military Academy, ۲۰۰۶.
 27. Kechichian, Joseph A, *Islamic Revivalism and Change in Saudi Arabia: Juhayman al-Utaybi's 'Letters to the Saudi People,'* *The Muslim World* 70 (1990): 1-16
 28. Walker, Lee Jay, *From siege of Mecca to pro-Islamic polices in Bosnia*, August 10, 2010, at: <http://serbianna.com/analysis/archives/650>
 29. Wright, Lawrence, *The loomomg tower*, Alfred A. Knopf, New York, 2006.
 30. Walker, Lee Jay, *Siege of Mecca and Juhayman alOtaibi: CIA and GIGN operatives converted to Islam*, December 19th, 2011, *Modern Tokyo Times*:
<http://global-security-news.com/2011/12/19/siege-of-mecca-and-juhayman-al-otaibi-cia-and-gign-operatives-converted-to-islam/>
 31. Wagemakers, Joas, *Abu Muhammad alMaqdisi: A CounterTerrorism Asset?*, CTC Sentinel, may 2008, VOL.1 Issue 6.
 32. Quincy, John, *Mecca's Burning, Part I: Assault on the Grand Mosque*, N.p., n.d. Web. 20 Apr. 2015.
 33. *Juhayman's Sins*, Interview with Nasser AlHuzeimi, *Majalla Magazine*, November 21, 2009